

27 دی 1402

# անգլագրաֆոն مجله ادبی آنی

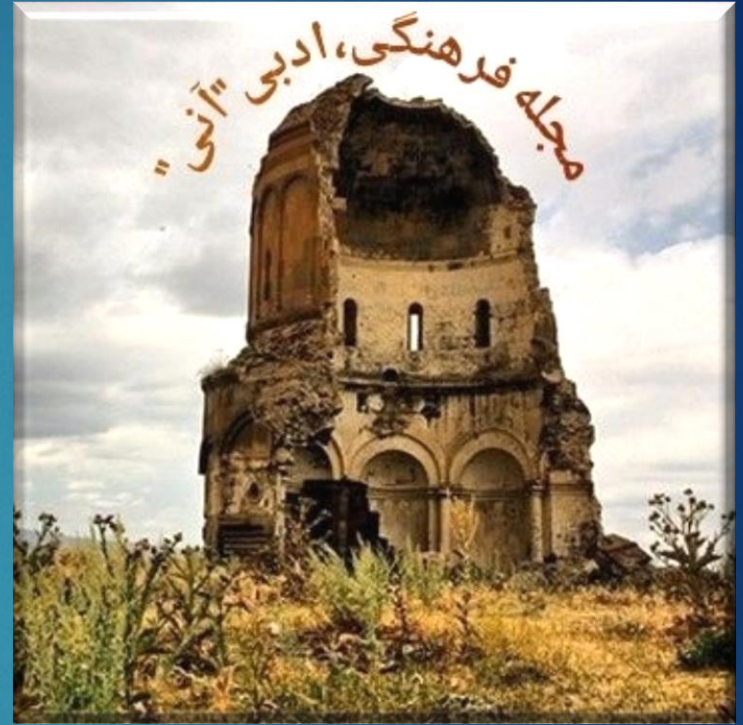
وبسایت: <http://aniletters.com>

شماره سی و هشتم

## در این شماره خواهید خواند:

- پست مدرنیسم در ادبیات چیست و چه زمانی ظهور کرد؟
- دکتر عباس اقبال مهران: از نظر شما بزرگترین آسیبی که شعر جوان رل تهدید میکند چیست؟
- نلسون ماندلا پایان دادن به نژادپرستی سیستماتیک...

Անդրանիկ սարեան  
Լևոն խեչոյեան





عقب افتادگی مملکت ناشی از دو چیز است  
 نخست : نداشتن مردمان دانا و لایق  
 و دوم : نبودن آن ها در راس امور مملکت  
 فرانسوا ولتر

فرانسوا ولتر  
 در کتاب : «تاریخ فرانسه» نوشته شده است  
 «مملکتی که در راس امور مردمان لایق و دانا  
 نداشته باشد، مملکتی است که در راس امور  
 مردمان نادان و لایق داشته باشد»

مقدمه.....17-19

بزرگان شعر.....25-20

ادبیات جهان.....27

ادبیت ارمنی.....28

ادبیات ایران.....29

شعر شاعران.....35-32

تبلیغات.....6-4

موسیقی.....39-38

بهداشت دهان و دندان.....41

مصاحبه.....46-42

طراح وبسایت: داوود محمد کیا  
@esher.official



دسته بندی موضوعی: ادبیات  
دوره انتشار: هفته نامه  
مدیر مسئول: آیتنا- آرزو مانیان  
شماره: سی و هشتم

پست الکترونیکی:

[www.ani.arzoomanian@yahoo.com](mailto:www.ani.arzoomanian@yahoo.com)

تلگرام:

[t.me/anisettes](https://t.me/anisettes)

اینستاگرام:

[@anita\\_arzoomanian](https://www.instagram.com/anita_arzoomanian)

وب سایت:

[www.aniletters.com](http://www.aniletters.com)

[www.anipoetry.ir](http://www.anipoetry.ir)

## آلبرت آرتاکس یانس

قلم زنی دستی سبک تبریزی روی فلزات  
گرانبها، ساخت و تعمیر انواع ظروف و  
زیور آلات  
جهت سفارش با شماره تلفن زیر تماس  
حاصل فرمایید.

09190266552

## ادوین آرزومانیان

فرید، فروش و تعمیرات تخصصی  
لپ تاپ و قطعات.  
شماره تماس:

۰۹۱۰۱۴۴۹۹۶۶

## دکتر بهزاد هوشمند

متخصص و جراح بیماری های لته و  
ایمپلنت

۲۲۰۱۹۳۶۶

۲۲۰۱۹۰۷۳

## قلم زنی و نقره سازی ادوارد

سافت انواع منسوجات نقره  
جهت سفارش با شماره تلفن های زیر  
تماس حاصل فرمایید.

۶۶۷۱۰۰۳۹

۰۹۱۹۵۰۸۸۵۳۶



## تجربه حس خوب با اریال یوگا

کاری سوزی بین ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ کالری

افزایش انعطاف پذیری بدن

از بین بردن گرفتگی عضلات

تسکین فشارهای مفصل و ستون فقرات

تقویت عضلات شکم، پهلو و کمر

افزایش حس حضور در محیط

آزاد کردن اندورفین

افزایش تعادل



mirela\_\_art

Let's relax with  
**MI RE LA**

کریم خان

۰۹۳۶۹۲۷۵۲۲۸

۳۱۶۱۹۰۰۰۹۱۴



Let's relax with  
**MI RE TV**

۰۵۸۵۵۸۸۵۸۸۷

- پلاتو فیزیکیال تئاتر اریال یوگا و نمایش
- استودیوی ضبط موسیقی و آهنگسازی
- مجهز به فضای باز مجزا

ممدوده کریمخان  
تلفن تماس:

۰۹۳۶۹۲۷۵۲۲۸

جناب آقای علی دماوندی



@mirela\_\_art

مدرس انجمن فوشنویسان ایران

خطاط: علی ملک

[Ali.malek.art](http://Ali.malek.art)



Եկեղեցական երաժշտության զարգացման  
 ընթացքում ձևավորվում են շարականները (V դար):  
 VII դարում երաժիշտ Բարսեղ Ճոնը կազմում է  
 շարականների առաջին ժողովածուն: 7-րդ դարի  
 հիմնադիրներից հայտնի է նաև կաթողիկոս Սահակ  
 Գ Ձորփորեցին: Չայների երկրորդ համակարգումը  
 կատարեց Ստեփանոս Սյունեցին՝ 8-րդ դարի  
 առաջին կեսին: Վերջինս եկեղեցական  
 երաժշտության մեջ ներմուծեց նաև կանոնը: Հին  
 հայկական երաժշտության զարգացման մեջ նոր  
 ձեռքբերում էր երաժշտական նոտագրության  
 խազերի ստեղծումը 8-9-րդ դարերում: Խազերի  
 հնագույն ձեռագիրը վերաբերում է 9-րդ դարին:  
 Ընդհանուր առմամբ պահպանվել է խազերի ավելի  
 քան 2000 ձեռագիր: Հնադարյան Հայաստանի  
 երաժշտական մշակույթի մասին հայտնում է նաև  
 Դավիթ Անհաղթը (V - VI դդ):  
 Հայկական երաժշտությունը նշանակալիորեն  
 զարգանում է զարգացած ֆեոդալիզմի  
 դարաշրջանում՝ 10-13-րդ դարերում:





نلسون ماندلا که به پدر آفریقای جنوبی مدرن معروف بود، در سرنگونی حکومت استبدادی آفریقا و استقرار دموکراسی نقش فعالی داشت. او بعد از مشارکت در جنبش ضد آپارتاید در سن ۲۰ سالگی و در سال ۱۹۴۲ به کنگره ملی آفریقا پیوست و به دلیل مبارزه صلح آمیز برای نابودی رژیم آپارتاید و پایه گذاری دموکراسی، در سال ۱۹۹۳ جایزه صلح نوبل گرفت.

نلسون ماندلا به دلیل مبارزه با تعصب نژادی شهرت یافت. او فعال حقوق اجتماعی و سیاستمداری بشردوست بود که علاوه بر مبارزه با رژیم آپارتاید، برای دنیای بهتری می جنگید که در آن آزادی، کرامت و عدالت رعایت شود. او راه خود را تا دست یابی به هدف دنبال کرد و بعد از پیروزی، از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ به عنوان اولین رئیس جمهوری سیاه پوست در آفریقای جنوبی انتخاب شد.

## فعالیت‌های سیاسی ماندلا

نلسون ماندلا از سال ۱۹۴۲ وارد سیاست شد و بعد از دو سال فعالیت‌های فردی، در سال ۱۹۴۴ به کنگره ملی آفریقا **African National Congress** (این کنگره (ANC) پیوست. این کنگره با گروهی کوچک از جوانان آفریقایی بود که با هدف ایجاد یک جنبش مردمی و رساندن صدای اعتراض مردم آفریقا به گوش جهانیان گرد هم آمده بودند.

اعضای این گروه بعد از مدت‌ها مبارزه صلح‌آمیز، به این نتیجه رسیدند که تاکتیک‌های قدیمی و مطالبات صلح‌طلبانه موثر نیست و باید شیوه جدیدی در مبارزه اتخاذ کنند. آن‌ها در سال ۱۹۴۹ با کمک ماندلا سیاست‌های رادیکال‌تری را در برنامه خود قرار دادند و شیوه تحریم، عدم همکاری با دولت و نافرمانی مدنی را برای دستیابی به حقوق شهروندی، حقوق صنفی، آموزش و دیگر اهداف خود در پیش گرفتند.

## زندگی‌نامه نلسون ماندلا

رولیهلاها ماندلا از طایفه مادبیا در ۱۸ ژوئیه سال ۱۹۱۸ در روستای موزو واقع در کیپ شرقی به دنیا آمد. پدر او مفاکانیسوا گادلا ماندلا، مشاور پادشاه تمبو بود. ماندلا در سن ۱۲ سالگی پدر خود را از دست داد و پادشاه تمبو مقام مشاور پادشاه که از آن گادلا بود را برای پسر او حفظ کرد. پادشاه تمبو، رولیهلاها را به مدرسه فرستاد و مطابق رسم نام‌گذاری مسیحی، معلم ماندلا نام «نلسون» را برای او انتخاب کرد. او اولین فرد در خانواده خود بود که به مدرسه رفت.

ماندلا در سال ۱۹۵۲ به این نتیجه رسید که سیاست‌های موجود پاسخگوی اهداف آن‌ها نیست و با کسانی همراه شد که به مبارزه با شیوه‌های جدید معتقد بودند. در همین دوره بود که ماندلا به همراه تعداد زیادی از همراهان خود، به مبارزه و دخالت در تصویب «قانون سرکوب کمونیسم» متهم و به ۹ ماه زندان محکوم شدند. قانون سرکوب کمونیسم توسط دولت آپارتاید آفریقای جنوبی به منظور جلوگیری از فعالیت احزاب کمونیست و گروه‌هایی با هدف مشترک، تصویب شد. طبق این قانون، فعالیت احزاب کمونیست و هر گروه دیگر با هدف ایجاد بی‌نظمی در جامعه و دستیابی به تغییر غیرمجاز بود.

تظاهراتی در روز ۲۱ مارس سال ۱۹۶۰ در شارپپول علیه تصویب قوانین مذکور صورت گرفت که در آن حدود ۷۰ نفر غیرمسلح، به دست پلیس کشته شدند. بعد از آن، در آفریقای جنوبی وضعیت اضطراری اعلام شد و ماندلا و همکارانش دستگیر شدند.



در تاریخ ۲۷ آوریل سال ۱۹۹۴ اولین انتخابات دموکراتیک در آفریقای جنوبی برگزار و نلسون ماندلا به عنوان اولین رئیس‌جمهوری دموکراتیک آفریقای جنوبی انتخاب شد. او در طول چهار سال ریاست‌جمهوری خود، تلاش کرد تا عمده قدرت را به سیاه‌پوستان انتقال دهد. آفریقای جنوبی در زمان ریاست‌جمهوری ماندلا میزبان بازی‌های راگبی شد تا از این فرصت برای معرفی جمهوری کوچک خود به جهانیان استفاده کند.

ماندلا با اجرای طرح‌های مختلف، جلوی فروپاشی اقتصاد آفریقای جنوبی را گرفت و قانون اساسی را برای این کشور تصویب کرد که ضامن آزادی بیان و حقوق اقلیت باشد. او که گفته بود تنها یک دوره رئیس‌جمهوری می‌شود، به وعده خود جامه عمل پوشاند و بعد از یک دوره ریاست‌جمهوری از قدرت کناره گرفت.

نلسون ماندلا بعد از انتخابات سال ۱۹۹۹ از فعالیت سیاسی بازنشسته شد؛ اما همچنان زندگی پرمشغله‌ای داشت. او سال‌های پایانی عمر خود را صرف بنای مدارس و کلینیک‌های درمانی در آفریقای جنوبی و نوشتن کتاب کرد؛ بنیاد «نلسون ماندلا» با هدف کشف راه‌حل‌های پایدار برای مشکلات اجتماعی نیز توسط او تاسیس شد.

ماندلا در سال ۲۰۱۳ و در سن ۹۵ سالگی در منزل شخصی خود در ژوهانسبورگ درگذشت. جیکوب زوما، رئیس‌جمهوری وقت آفریقای جنوبی خبر مرگ او را در یک بیانیه تلویزیونی اعلام کرد. پیکر نلسون ماندلا ۱۰ روز بعد از مرگ، در جمع دوستداران او در گورستان خانوادگی وی در روستای قونو به خاک سپرده شد. او را طبق سنت‌های قبیله‌ای و دور از لنز دوربین‌ها به خاک سپردند.

### القاب نلسون ماندلا

نلسون ماندلا القاب مختلفی داشت. مردم آفریقای جنوبی همواره او را به نام سنتی قبیله خوسا، «مادیبا» می‌نامیدند، مادیبا نام قبیله ماندلا و نام یکی از رهبران قبیله تمبو بود. این لقب اشرافی را که اعضای قبیله برای او انتخاب کردند، تنها در آفریقای جنوبی به کار برده شد.

«تاتا» یکی دیگر از القاب نلسون ماندلا بود که در زبان قبیله خوسا به معنی «پدر» است؛ این نام را مردم آفریقای جنوبی بدون توجه به سن ماندلا به او دادند. بعد از آن ماندلا به «پدر آفریقای جنوبی مدرن» ملقب شد.

«بلک پیمپرل» یا «پیمپرل سیاه» یکی دیگر از القاب ماندلا است که در پی سال‌ها مخفی ماندن او از دست پلیس و پوشیدن لباس‌های مبدل به او داده شد. این لقب برگرفته از شخصیت اصلی رمانی با همین مضمون است.

آثار متعددی از ماندلا به یادگار مانده است:

گامی بلند به سوی آزادی، اولین کتاب ماندلا است. او بیشتر این کتاب را در سال ۱۹۹۴ در زندان نوشت و بعدها در بیرون از زندان آن را کامل کرد. این کتاب خودزندگی‌نامه (اتوبیوگرافی) نلسون ماندلا و شرحی از تاریخ مبارزات طولانی او است.

گفتگوهایی با خودم، آرشیوی از دفترچه‌ها، نامه‌ها، مکالمه‌های ضبط‌شده و خاطرات زندان ماندلا است که نگاهی همه‌جانبه به زندگی او دارد.

قصه‌های محلی محبوب آفریقایی را ماندلا برای حفظ داستان‌های بومی آفریقایی و انتقال آن‌ها به مردم نوشت. این کتاب حاوی ۳۲ داستان محلی منتخب از فرهنگ‌های مختلف آفریقایی با پیام‌های اخلاقی است.

نلسون ماندلا به کلام خودش حاوی مجموعه سخنرانی‌های ماندلا با موضوع‌هایی از قبیل تلاش برای آزادی، مصالحه و ملت‌سازی، آموزش، فرهنگ و دین است.

نلسون ماندلا سمبل بالاترین ارزش‌های سازمان ملل متحد چون کرامت انسانی، صلح و بخشش محسوب می‌شود. او برای مردم قهرمانی است که برای دستیابی به اهداف خود تا آخرین نفس جنگید. ماندلا اندیشه‌ای والا داشت و به روش‌های صلح‌آمیز برای مبارزه معتقد بود؛ در صورتی که این روش پاسخ نمی‌داد، اجازه استفاده از روش‌های مسلحانه را نیز می‌داد.

نلسون ماندلا آزادی را در احترام به آزادی دیگران می‌دید و آموزش را قوی‌ترین سلاح برای تغییر جهان می‌دانست. او عقیده داشت امر غیرممکن تا زمانی غیرممکن به نظر می‌رسد که انجام نشده است؛ از نگاه وی، رویاپردازی برنده است که هرگز تسلیم نشود. برخی از مشهورترین گفته‌های او به شرح زیر است:

مرا با موفقیت‌هایم نسنجید؛ مرا با تعداد دفعاتی که زمین خوردم و بلند شدم قضاوت کنید.

دنیای بهتر برای کسانی که در آن زندگی می‌کنند، با دست‌ان شما ساخته می‌شود.



فقر با عدالت از بین می‌رود؛ نه صدقه.



## جوایز و افتخارات نلسون ماندلا

نلسون ماندلا در طول ۴۰ سال، حدود ۲۶۰ جایزه گرفت.

مهم‌ترین جایزه ماندلا، جایزه صلح نوبل بود که در سال ۱۹۳۳ به‌طور مشترک به او و رئیس‌جمهوری وقت آفریقای جنوبی اعطا شد.

ماندلا در هشتم دسامبر موفق به دریافت جایزه حقوق بشر **Carte-Menil** شد.

جایزه صلح یونسکو در سوم فوریه سال ۱۹۹۱ در پاریس

اعطای دکترای افتخاری حقوق از دانشگاه لسوتو

دریافت جایزه صلح لنین در سال ۱۹۹۰

دریافت دکترای افتخاری از دانشگاه استلنبوش

۱۸ ژوئیه، روز تولد نلسون ماندلا توسط سازمان ملل در سال ۲۰۰۹ به عنوان «روز جهانی ماندلا» نام‌گذاری شد. مردم این روز را به نشانه قدردانی از تلاش‌های صلح‌جویانه و مبارزات پیگیر ماندلا جشن می‌گیرند و ۶۷ دقیقه از زمان خود را به کمک خالصانه به خیریه‌ها یا افراد نیازمند اختصاص می‌دهند؛ عدد ۶۷ الهام گرفته از ۶۷ سالی است که ماندلا به مبارزه برای عدالت، برابری و حقوق انسانی برای همه صرف کرد.



در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مدرنیسم ادبی جنبش اصلی ادبیات بود. لا این حال ، پس از جنگ جهانی دوم مکتب جدیدی از نظریات ادبی که پست مدرنیسم تلقی میشود شروع به ظهور کرد.

پست مدرنیسم اصطلاحی برای ژانر و سبک ادبی ایست که در نیمه دوم قرن ۲۰-ام ظهور کرد. در تعریف پست مدرنیسم ، ادبیات کیفیت ها و ویژگی های جدیدی به خود میگیرد که در دهه های پیشین نداشت. در واقع ادبیات مدرن جنبش ادبی است که از معنا گریزان است و در عوض بر بازی-پراکندگی-فراداستان-بینامتنیت تاکید دارد.

این جنبش ادبی در اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ به عنوان واکنشی به جستجوی ادبیات مدرنیستی برای یافتن معنا در پرتو نقض قابل توجه حقوق بشر در جنگ جهانی دوم به شهرت رسید.

در اواخر دهه ۶۰ از "مرگ رمان" که جان بارت نویسنده آمریکایی از آن با نام ادبیات خستگی یاد میکند صحبت میشود. در این زمان ناگهان تکنیک های سنتی داستان نویسی ، کهنه و به دردخور به نظر رسیدند و این امکان وجود نداشت که بتوان با سبک رئالیستی سنتی به پیچیدگی های عصر مدرن پی برد.

نظریه پردازان ادبی که پست مدرنیسم را در ادبیات متبلور کردند عبارتند از:

رولان بارت، زان بودریار، ژاک دریدا، خورخه لوئیس بورخس، فردریک جیمسون، میشل فوکو و ژان فرانسوا لیوتار هستند.

پیشرو ادبیات مدرن، ادبیات مدرنیستی (یا مدرن) بر جست و جوی معنا تاکید میکرد و نویسندگان را به عنوان خالق نظم به سبک روشنگری و سوگواری جهان آشفته پیشنهاد میکرد.

از جمله میتوان به: جیمز جویس، تی-الیوت، و ویرجینیا وولف اشاره کرد. نویسندگان پست مدرنیسم به دنبال تضعیف قراردادهای ادبی ثبت شده به عنوان راهی برای کشف احساسات شدید خود پیرامون رویدادهای مهمی بودند که در طول زندگی آنها در جهان رخ داده بود.

نمونه آن نقض حقوق بشر که در طول جنگ جهانی دوم و پس از آن (از جمله هولوکاست، بمباران اتمی ژاپن و توقیف ژاپن در ایالات متحده) بود که نویسندگان شروع به این احساس کردند که گویی معنا، یک جستجوی غیر ممکن است - تنها راه پیشروی این بود که بی معنی بودن را به طور کامل بپذیریم.

بنابراین ادبیات پست مدرن بسیاری از نظریه های مدرنیسم را رد کرد و بر پایه های دیگری بنا شد.

از جمله دوری از معنا، تشدید پراکندگی و بی نظمی و آغاز یک تغییر عمده در سنت ادبی.

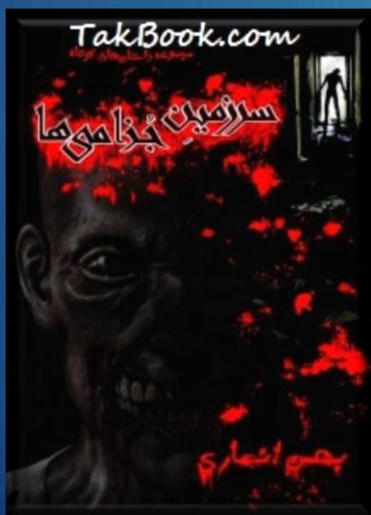
از ویژگی های پست مدرنیسم میتوان به:

اتفاقی بودن ، بازیگوش بودن، تکه تکه شدن، فراداستان ،بینامتنیت اشاره کرد.

اسامی ده نویسنده برجسته پست مدرنیسم:

جان بارت، ساموئل بکت، ایتالو کالوینو، دون دلیلو، جان فاولز، جوزف هلر، گابریل گارسیا مارکز، توماس پینچون، کورت ونه گارت، دیوید فاستر والاس،

و در آخر باید گفت: ادبیات در هر سبکی جذابیت و آرامشی برای خواننده به همراه دارد. چراکه او داستان ها بارها و بارها زندگی کرده و از هر کدام تجربه ای کسب میکند، او با فلسفه آشنا میشود و افکارش را در تلاطم بی پایان به ساحل آرامش می رساند.

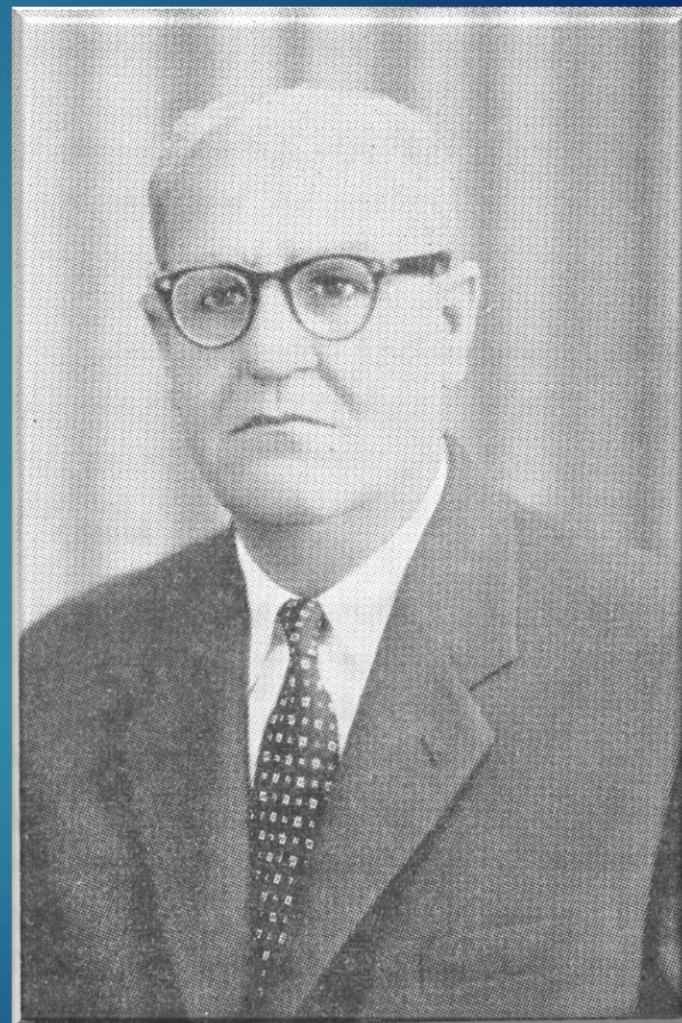


سرزمین جذامی‌ها، مجموعه‌ای از بیست داستان کوتاه و بیست قطعه ادبی می‌باشد. داستان‌های کوتاه این مجموعه از دو بخش «داستان‌های کلاسیک» و «داستان‌های پست‌مدرن» تشکیل شده‌اند و همچنین قطعات ادبی نیز تلفیقی از دو سبک کلاسیک و پست‌مدرن می‌باشند.

Ծնվել է 1914 թ-ի արիլի 15-ին, Պարկատանի Չարմահալ Փարի Հինգամ գիղում: Կրթությունը ստացել է ատանի աղկաքայի Հայոց Լա դաիաական Ճեմարանում: Վերադառնալով պարսկաստան, աշխատանքի է անցել Իրանի Նալթարդինաբերական ընկերության մեջ: Նախքան 1968, հանգստի կոչելը եոթը տարիներ վարիչ խմբագիրն է եղել նոյն ընկերության «Կերոն» անգլերեն շաբաթաթերթի: Երկար տարիներ աշխատակցել է «Ալիք» -ը Յառաջ», «Անի» «Շիրակ» «Նայիրի» «Նոր կեանք» «Նոր օր» եւ «Նաւասարդ» թերթերին եւ հանդէսներին գրական, հրապարակագրական, թարգմանական եւ գրաքննադատական գործերով:

Շահել է բազմաթիւ գրական մրցանակներ, իր հրատարակած գործերն են՝ «Պատմութիւն Չհարմահալ գաւառի» 1981թ. «Պատմածքներ»-ի Ա եւ Բ հատորները, 1937թ, Թեհրան, «Հայկական Վագրը» վէպը 1986թ. Բէրլին, «Մեր պղնձեայ գայլը» պատմածքների երրորդ ժողովածուն, 2000թ, եւ «Անյոյս քառուղիներում» հատորը 2002թ, Լոս Անջելես: 1987 թ.-ից հաստատուելով Լոս Անջելեսում, շարունակում է անսպառ աշխատակցել հայ մամուլին եւ ստեղծագործում է անդադար:

Մարեանի գրական գործերի մասին  
բազմաթիւ գրութիւններ են լոյս տեսել  
մեր ճանաչուած մտաւորականների  
կողմից, Սփիւռքում եւ Հայաստանում:  
Ունի բազմաթիւ հրատարակութեան  
պատրաստ աշխատութիւններ, որ յոյս  
ունենք նա՝ այս յաւերժ պատանին,  
ականատես կը լինի դրանց բոլորի լոյս  
աշխարհ գալուն:



## Alta Gerrey



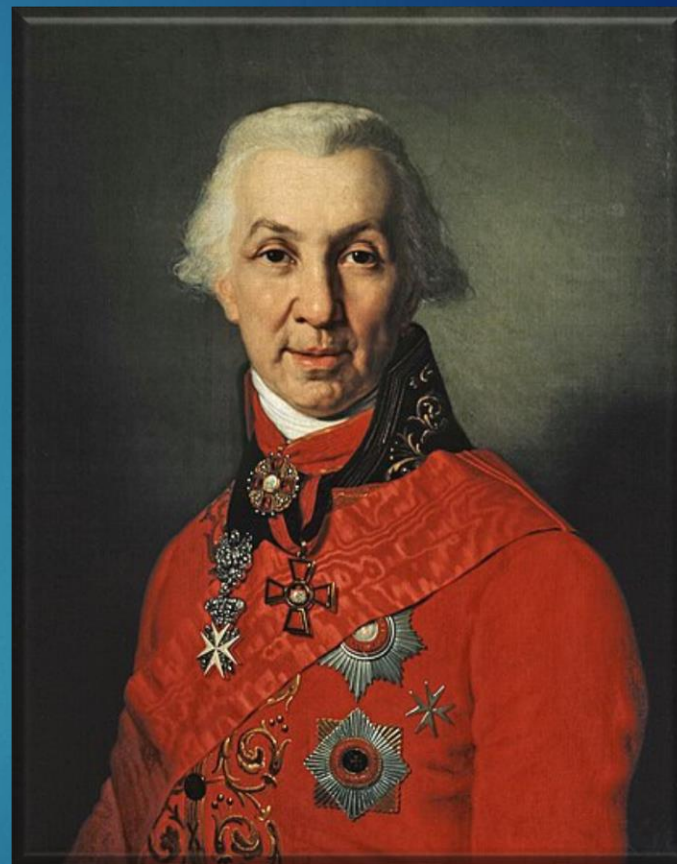
**Alta Gerrey (born 1942, Reno, Nevada) is a British-American poet, prose writer, and publisher, best known as the founder of the feminist press Shameless Hussy Press and editor of the Shameless Hussy Review. Her 1980 collection *The Shameless Hussy* won the American Book Award in 1981. She is featured in the feminist history film *She's Beautiful When She's Angry*.**

## La Terra Santa, Alda Merini

Nata nel 1931, il 21 marzo, in primavera, come fa notare in una delle sue poesie più celebri: Alda Merini è milanese doc, ed è proprio nel capoluogo lombardo che cresce e studia, appassionandosi fin da subito alla poesia. Esordisce infatti all'età di 15 anni, grazie ad un'insegnante delle medie che ne scova e ne apprezza il talento. La raccolta *La Terra Santa* (Scheiwiller), del 1979, la rivela come grande autrice e segna l'inizio del suo successo, con un'opera che racconta l'esperienza vissuta in ospedale psichiatrico. In questo volume, la scrittrice utilizza la vicenda dell'esodo del popolo ebraico in Terra Santa come metafora del periodo trascorso in manicomio, tracciandolo con toni esasperati, e ossessivi che restituiscono una sensazione di tormento e claustrofobia. Con *La Terra Santa*, Alda Merini vince nel 1993 il Premio Librex Montale.

## Державин, Гавриил Романович

Гаври́л (Гаври́ла) Рома́нович Держа́вин (3 [14] июля 1743, село Сокуры, Казанская губерния — 8 [20] июля 1816, имение Званка, Новгородская губерния) — русский поэт эпохи Просвещения, государственный деятель Российской империи, сенатор,



## خسروی سرخسی

ابوبکر محمد بن علی خسروی سرخسی ، شاعر و فیلسوف ایرانی و از مشاهیر قرن چهارم هجری قمری و از بزرگ‌ترین فقیهان مسلمان ماوراءالنهر بوده‌است. در بخارا تحصیل کرده و در اوزکند به دربار قراخانیان پیوسته بود و به سبب فتوایی که بر خلاف میل خاقان حسن داد به زندان افتاد.

وی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود و در تاریخ یمنی نام وی را رودکی قرین نامیده‌اند. ابوبکر محمد میان سال‌های ۴۹۰-۴۸۳ هجری قمری بدرود حیات گفته‌است.

وی به علوم اوائل (دانش‌های یونان باستان) آگاهی گسترده‌ای داشته و شعرش آمیزه‌ای از اندیشه‌های فلسفی و خیال‌های شاعرانه است. او مدح‌کننده شمس‌المعالی قابوس (کشته‌شده به سال ۴۰۳)، صاحب بن عباد (مرگ ۳۸۵) و امیر ناصرالدوله ابوالحسن محمد بن ابراهیم سیمجور (مرگ ۳۷۷) بوده‌است و قابوس و صاحب بن عباد بدو مزد سالیانه می‌داده‌اند.

طبرخزی (ابوبکر خوارزمی، مرگ ۳۸۳) شاعر و ادیب - که نوشته‌هایی به زبان عربی دارد - قصیده‌ای در سوگ او گفته‌است. محمد دبیر سیاقی از ادیبان نامور همروزگار ما قطعه خسروی را در نکوهش روزگار بی‌مانند می‌داند.

## «Գրական թերթ»-ի էջին

«Լեւոն Խեչոյեանը ի վերուստ տրուած իր շնորհները՝

գրիչն ու զէնքը, գործածեց ի փառս Հայրենիքի ու Ժողովրդի:

Նա մեր եղեռնագարդ պապերի չկրակած իր բաժին փամփուշտը թշնամուն վերադարձրեց:

Նա իր փառքն ու պատիւը չի մուրացել, վաստակել է:

Նա կռուել ու մաքառել է, որ հայրենիքի լուսաբացերը խաղաղ լինեն:

Նա իր տեսակով ազատ մտքի վարպետ էր թէ՛ խօսքով, թէ՛ գրչով:

Չկարծէք, թէ ասածներս հրաժեշտի խօսքեր են. գրողին ու զինուորին հրաժեշտ չեն տալիս, այլ փառք ու պատիւ»:

Ս.Ս

«Սասուն» ջոկատի հրամանատար



"ایرانیان" ( حدود ۴۷۲ ق.م). تنها نمایشنامه ای که درباره تاریخ عصر آیسخلوس به یادگار مانده است. زمینه ی آن سرافکندگی سپاه ایران پس از شکست در نبرد سالامیس است. جنبه دراماتیک این نمایشنامه ، از همه تراژدی های یونانی کمتر است.

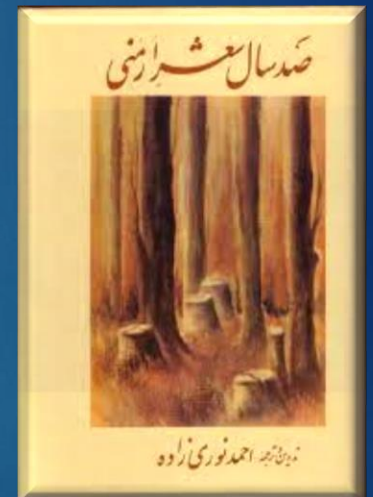
طرح نمایش ، به جای این که وارد مرحله روشنایی و تصمیم و تعیین سرنوشت گردد، تنها منحصر به کشف و شناختی است که به وسیله آتوسا، ما در خشایارشا، انجام می گیرد. نمایشنامه از گفت و شنود (دیالوگ) کافی برخوردار است، اما طرح منسجم و متشکل ندارد.

در آن برای نخستین بار به حضور روح در نمایش برمیخوریم. "هفت تن علیه تب" ( حدود ۴۶۷ ق.م). آخرین بخش از یک نمایشنامه چهار بخشی است (نمایشنامه های دیگر: لایوس، اودیپ (اودیپوس)، و نمایشنامه ی طنز آمیز ابوالهول). موضوع آن کینه و نفرت میان دو تن از پسران اودیپ، و افزون آن، شوربختی موروثی در این خاندان است که از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است. پس از مرگ اودیپ، دو تن از پسران وی ( اتئوکلس و پولونیکس) بر سر حکومت تب به نبرد می پردازند و یکدیگر را از پای در می آورند.



تاریخ ادبیات جهان ۱

احمد نوری زاده



بدین گونه در سال ۶۶ ق.م بین تیگران دوم و پمپئوس پیمان صلح منعقد شد و بر اساس آن تیگران دوم بعنوان پادشاه هایک بزرگ ( ارمنستان) ابقا گردید، اما کلیه ی سرزمین هائی را که در چند سال گذشته تسخیر کرده بود از دست داد. همچنین بر اساس پیمان صلح ، ارمنستان ناگزیر از پرداخت غرامت جنگی سنگینی گردید ی از آن پس موظف شد در صورت لزوم ، در جنگ ها، قوای کمکی به روم بدهد. زیرا در پیمان صلح ارمنستان بعنوان " دوست و همپیمان " روم بحساب می آمد.

تیگران دوم در سال ۵۵ ق.م وفات یافت. پس از مرگ او، فرزندش آرتاوازد بر تخت نشست. در این دوره امپراتوری پارت قدرت دوباره ئی یافته بود و از سوی دیگر پس از سال ۶۰ ق.م اولین حکومت سه گانه "تریومویرا یا اتحاد رجال ثلاث" پمپئوس و مارکوس کراسوس و ژولیوس سزار ، ایجاد گردیده است. ارمنستان در واقع میان دو قدرت بزرگ یعنی پارت و روم قرار گرفته بود و سعی در اعمال سیاست بی طرفی داشت.

از لحاظ اقتدار ، ارمنستان بین حکومت های جهان باستان، پس از روم و پارت و در رده ی سوم قرار می گرفت اما بدلیل مسابقه بر سر قدرت که بین روم و پارت آغاز شده بود، قدرت مرکزی در ارمنستان از هر زمان دیگری ضعیف تر شده بود.

کشیده با راه به معنی باریک و ممتد و با تیغ به معنی آخته است:  
اگرچه تیغ بود آلت بریدن، من

همی بریدم آن تیغ را به گام آور

بریدن با تیغ به معنی قطع کردن و با راه به معنی طی کردن است) در  
ضمن تیغ در اینجا ایهام به تیغ کوه هم دارد و گام آور کنایه از اسب  
است).

استخدام در سبک خراسانی نادر و ابتدایی است حال آن که در مسعود  
فراوان و متکامل است.

از مختصلت شعر مسعود بسامد بالای موازنه است که در اینجا هم دیده  
میشود:

نه بوی مستی در مغز من مگر زان می

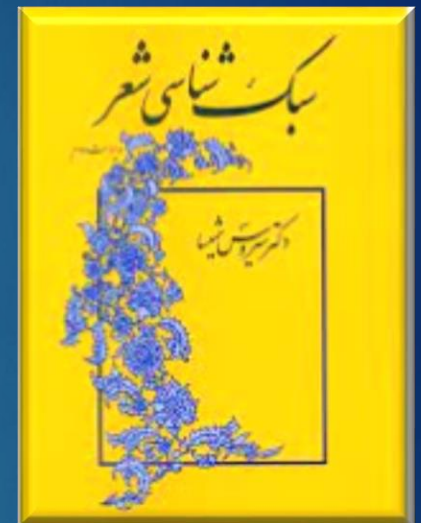
نه رنگ هستی در دست من مگر زان زر

موازنه در سبک خراسانی هم هست و چنان که قبلاً گفتیم از ابزارهای  
رایج ساخت بیت بود و در آن قصیده منوچهری هم آمده است:

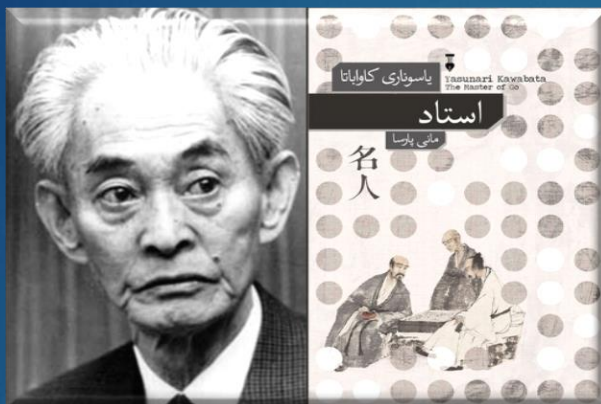
بچرا! کت عنبرین بادا چراگاه

بچم! کت آهنین بادا مفاصل

و همچنین انواع تکرار در شعر مسعود فراوان است از قبیل ردالصدر الی  
الابتدا:



سبک شعرشناسی



## ورود «استاد» به کتابفروشی‌ها

رمان «استاد» نوشته یاسوناری کاواباتا با ترجمه مانی پارسا توسط نشر نو منتشر و راهی بازار نشر شد.

ه گزارش خبرنگار مهر، رمان «استاد» نوشته یاسوناری کاواباتا به تازگی با ترجمه مانی پارسا توسط نشر نو منتشر و راهی بازار نشر شده است. نسخه اصلی این کتاب سال ۲۰۰۶ در لندن منتشر شده است.

یاسوناری کاواباتا نویسنده ژاپنی متولد ۱۸۹۹ است که سال ۱۹۶۸ برای نوشتن رمان «استاد» و ارایه واقعی ادبیات ژاپنی، تبحر در روایت و بیان حس بزرگ ذهن ژاپن، شایسته دریافت جایزه نوبل شناخته شد. او سال ۱۹۷۲ درگذشت. این نویسنده «استاد» را در قالب یک رمان وقایع‌نامه وفادارانه نوشته است. البته این کتاب را در بیان ژاپنی‌ها رمان نمی‌خوانند. بلکه یک شوستو است که از نظر واژه‌شناسی نسبت به رمان انعطاف‌پذیرتر و پرمایه‌تر و بازتر است. به بیان دیگر آن چه خواننده غربی به عنوان قطعاتی از زندگی‌نامه یا رشته‌خاطرات پرشاخ‌وبرگ ناداستان می‌خواند، خواننده ژاپنی به عنوان قالبی به اسم شوستو می‌شناسد. «استاد» خالی از عناصر داستانی نیست اما بیشتر یک وقایع‌نامه است تا رمان.

رمان «استاد» درباره یک مسابقه «گو» است که سال ۱۹۳۸ انجام شده و کاواباتا آن را در قالب وقایع نامه نگاری برای روزنامه های اوساکا و توکیو گزارش کرد.

«گو» یک باز استراتژیک است که بازیکنانش می کوشند سنگ های سیاه یا سفید حریف را محاصره کنند. اصول گو ساده، اما اجرای آن پیچیده و گویای حساسیت ژاپنی هاست. این کتاب درباره استاد محترم شکست ناپذیر بازی گو است که با بازیکنی جوان و مترقی بازی می کند. این رمان صحنه ای دارد که در آن سنت های خشک دوران امپراتوری ژاپن با هجوم نوگرایی و مدرنیسم سده بیستم مواجه می شوند. رقابت استاد و حریف جوان چند ماه طول می کشد و در مسیر بازی، تنش هایی به وجود می آید که جز بازیکنان، خانواده و نزدیکانشان هم درگیر می شوند. در نهایت شرایط بازی طوری می شود که پایان آن مساوی با مرگ یکی از دو طرف است.

مطالب کتاب پیش رو در ۴۱ فصل نوشته شده اند.

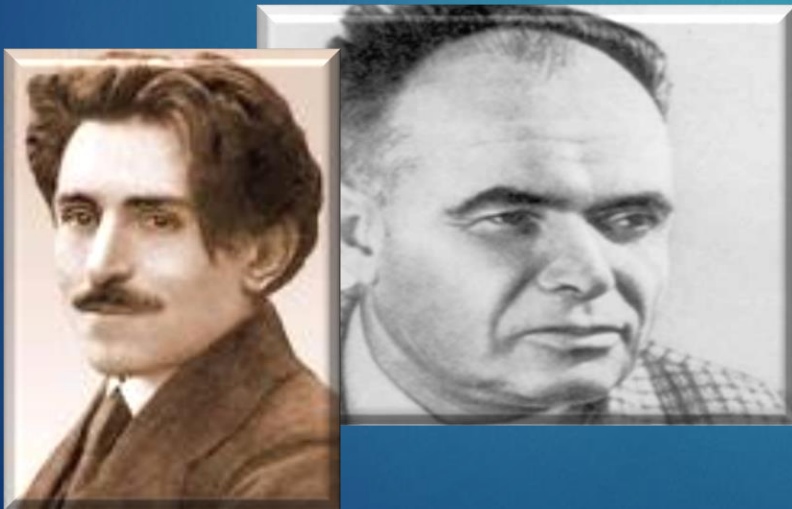
در قسمتی از این کتاب می خوانیم:

صبح ۵ اوت همسر استاد به من گفت: «دعا کردم و دعا کردم که این اتفاق نیفتد. گمان می کنم اعتقاد درست و درمانی ندارم.»

و دوباره: «می ترسیدم این اتفاق بیفتد، و شاید این اتفاق افتاد چون من زیادی نگران بودم. حالا هیچ کاری ازم ساخته نیست جز دعا کردن.»

Մանուկ ենք մենք – երկու խեղճ,  
Մոլորված մանուկ,  
Եվ չարիքին չըկա վերջ,  
Եվ մենք միշտ անօգ.-  
Մենք ճանապարհ չըգիտենք,-  
Իսկ խավարն ազահ.  
Միայն մենք ենք, միայն մենք,  
Էլ ոչ ոք չըկա...

Վահան Տերյան



Նաիրի Չարյան «Դու ինձ կփնտրես,  
երբ ես չեմ լինի»

Դու ինձ կըփնտրես, երբ ես չեմ լինի  
Կանգնած ամեն օր քո ճամփի վրա,  
Երբ մենակության լալկան ուռենին  
Կըթեքվի մի օր քո ճամփի վրա:

Չայնրս կըլսես հեռու ձորերից,  
Ինչպես հեռացող գնացքի սուլոց,  
Մարսուռով կտաս անունըս նորից  
Եվ ունայն հույսով կընետվես փողոց:

Բայց ես չեմ լինի ծանոթ մարդկանց մեջ,  
Ձեր դռան մոտով չեմ անցնի կրկին,  
Դու քայլամուկը կշրջես անվերջ,  
Եվ գղջման բոցով կայրվի քո հոգին:

Идущие с песней в бой,  
Без страха — в свинцовый дождь,  
Вас Георгий ведет святой,  
Крылатый и мудрый вождь.

Пылающий меч разит  
Средь ужаса и огня,  
И звонок топот копыт  
Его снегового коня.

Он тоже песню поет,  
В ней — слава и торжество.  
И те, кто в битве падет,  
Услышат песню его.

Услышат в последний час  
Громовый голос побед.  
Зрачкам тускнеющих глаз  
Блеснет немеркнущий свет!

Г. Иванов

Во глубине сибирских руд Храните гордое  
терпенье,  
Не пропадет ваш скорбный труд  
И дум высокое стремленье.

Несчастью верная сестра,  
Надежда в мрачном подземелье  
Разбудит бодрость и веселье, Придет желанная  
пора:

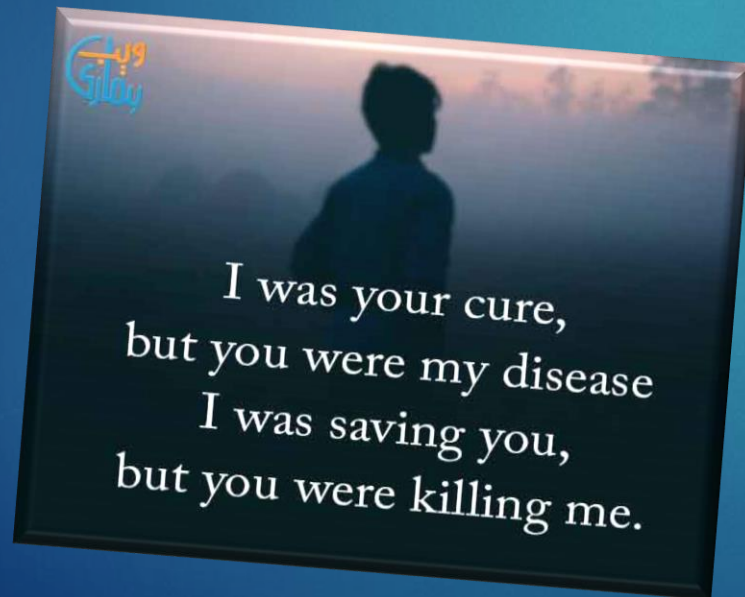
Любовь и дружество до вас  
Дойдут сквозь мрачные затворы,  
Как в ваши каторжные норы Доходит мой  
свободный глас.

Оковы тяжкие падут,  
Темницы рухнут — и свобода  
Вас примет радостно у входа,  
И братья меч вам отдадут.

А.С. Пушкин

## I Have a Rendezvous With Death by Alan Seeger

I have a rendezvous with Death  
At some disputed barricade  
When Spring comes back with  
rustling shade  
And apple blossoms fill the air.  
I have a rendezvous with Death  
When Spring brings back blue days  
and fair



## The Waste Land by T.S. Eliot

April is the cruellest month,  
breeding  
Lilacs out of the dead land, mixing  
Memory and desire, stirring  
Dull roots with spring rain.  
Winter kept us warm, covering  
Earth in forgetful snow, feeding  
A little life with dried tubers.

## سهراب سپهری

به سراغ من اگر می آید  
پشت هیچستانم

پشت هیچستان جایی است

پشت هیچستان رگ‌های هوا پر قاصدهایی است  
که خبر می آرند، از گل و شده دورترین بوته خاک  
آدم اینجا تنهاست

و در این تنهایی، سایه نارونی تا ابدیت جاری است  
به سراغ من اگر می آید

نرم و آهسته بیاید مبادا که ترک بردارد  
چینی نازک تنهایی من

## انگار

غوغای چشم های من و تو  
سکوت را

در آن کتابخانه رعایت نکرده بود!

## #قیصر\_امین\_پور

در آن شب‌های توفانی که عالم زیرورو می شد  
نهانی شب چراغ عشق را در سینه پروردم

## #هوشنگ\_ابتهاج



Dialog.World

دنیای دیالوگ

توانایی فهمیدن درد چیز خوبی است  
درد سر واقعی وقتی است که دیگر  
درد را هم نمی فهمی...!

هاروکی موراکامی



Dialog.World

دنیای دیالوگ

هر کسی آزاد است آنطور که می خواهد  
بیندیشد، ولی خدا کند که بیندیشد!

ژان پل سارتر



Dialog.World

دنیای دیالوگ

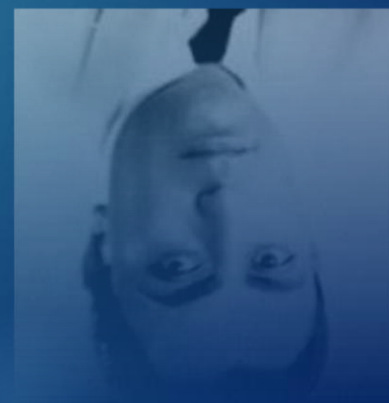
مراقب باشید چیزهایی را که دوست دارید به  
دست آورید وگرنه سرانجام ناچار خواهید بود  
چیزهایی را که به دست آورده‌اید دوست بدارید

جرج برنارد شاو

مولف پس از بیست سال ، آن قصه ها و افسانه ها را همان گونه که گرد آوری شده بود، بی تغییر و تحریف ، با یک قصه اضافی و با تصاویری زیبا به مناسبت هر قصه، در مهر ۱۳۳۳ این بار با نام پانزده افسانه روستایی به چتپ رسانید. این افسانه ها عبارت است از: **پسر صیاد، قصه حضرت موسی و مرد آب کش، درویش جادوگر، قصه دختر تاجر و ملا، کچل گاوچران و دختر کدخدا، سه آخوند مکتب دار، قصه شاهزاده اسماعیل و عرب زنگی، نجما و دختر پادشاه، مغول دختر، کمالا و شفانون، قلعه وشا(وشاق)، قصه رمال باشی دروغی، قصه پسر تاجر، قصه تاجر و قاضی بهلول ، قصه دختر خیاط و پسر پادشاه.**

**صادق هدایت:** مدت به گردآوری آثار فرهنگ عوام پرداخت و در سال ۱۳۱۰ ش و ۱۳۱۲ ش کتاب های **اوسانه و نیرنگستان** را منتشر کرد. وی در شماره آبان ۱۳۱۸ مجله موسیقی، که سال ها از هم کاران دائمی ان بود، شرح کوتاهی با عنوان "**متل های فارسی**" به چاپ رسانید و در پایان آن، دو قصه "**آقا موشه**" و "**شنگول و منگول**" را برای نمونه آورد.

### نقل از استاد قاسم علی دماوند



مدتی سرپرست برنامه موسیقی رادیو و چندی هم مسئول امور مالی بود. در این مشاغل دوام آورد. از سال ۱۳۳۴ با شروع برنامه گلها وارد آن شد و ستون های اصلی و ثابت این برنامه به شمار می رفت. وی به تنهایی با دیگر نوازندگان و دیگران نوازندگی می کرد و آهنگ می ساخت. بیش از نیمی از نوارهای رادیو که در آن سالها آثاری از پنجه های شور انگیز و سحرآمیز او را با خود دارد و یادگار هنر وی به شمار می رود.

تصانیف وی نیز با ارکستر گلها در همان سالها اجرا شد که بعضی از آن ها هنوز از خاطر نمی روند.

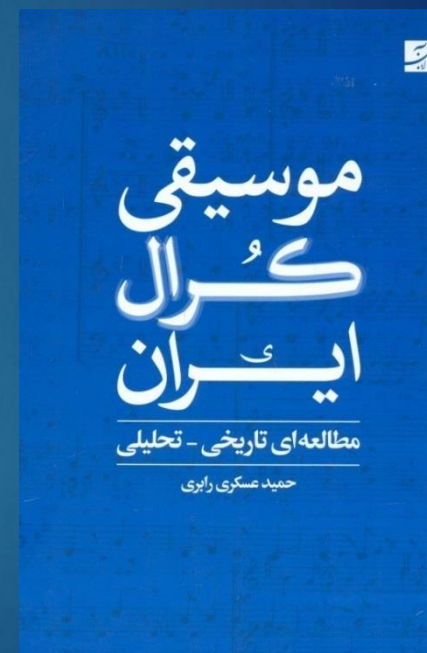
آثار وی را بیشتر مرحوم غلام حسین خان بنان ، بانو مرضیه، جناب سرهنگ قوامی، و خواننده های دیگری همچون محمودی خوانساری، ادیب خوانساری اجرا نموده است که مورد علاقه و احترام وی بوده اند.

صدای نازنین بنان به تصحیح حسین قلی خان ملاق موسیقی شناس معاصر دارای حال و کیفیتی خاص بود که پیانو مرتضی خان محبوبی نیز دارای همان حال و کیفیت بود و شاید بهترین آثار بنان اعم از آواز یا تصنیف همان هایی باشد که با ساز مرتضی خان محبوبی اجرا شده است. وی در رادیو به همراه نوازندگانی چون ابوالحسن خان صبا ، حسین خان یاحقی، علی تجویدی، حبیب الله بدیعی، حسین تهرانی، لطف الله مجد، فرهنگ شریف، جلیل شهناز، حسین قلی وزیر تبار، حسن کسائی، احمد عبادی، و خوانندگانی چون بنان، بانو مرضیه، جناب سرهنگ قوامی ، ادیب خوانساری، محمودی خوانساری و اکبر گلپایگانی و سعادت مند قومی را میتوان نام برد. از سال ۱۳۳۳ که مقارن مرگ برادرش رضا و همسرش بود مجبور شد که بیشتر به موسیقی بپردازد.

موسیقی دانان ارمنی ، اعم از آهنگسازان، رهبران گروه های کر و مدرسان آواز کلاسیک، نقش مهمی در گسترش موسیقی کرال ایران داشته اند. البته در این بین روبن گریگوریان به عنوان رهبر گروه کر هنرستان عالی موسیقی و نخستین آهنگسازی که به تنظیم آوازهای محلی ایرانی برای گروه کر پرداخته ، در تاریخ موسیقی کرال ایران جایگاه خاصی داشته و شناخته شده تر است. برای یافتن پاسخ این سوال که " چرا گریگوریان به عنوان آهنگسازی ارمنی، به گردآوری و تنظیم آوازهای محلی ایران پرداخته است؟ " میتوان برخی از دیدگاه های او را که طی مصاحبه ای در سال ۱۳۵۵ با مجله تماشا بیان داشته مرور کرد؛ جایی که گریگوریان از علاقه اش به هنر فولکلور ایران و جدایی ناپذیری احساسی و تاریخی آرامنه از ایرانی ها سخن گفته:

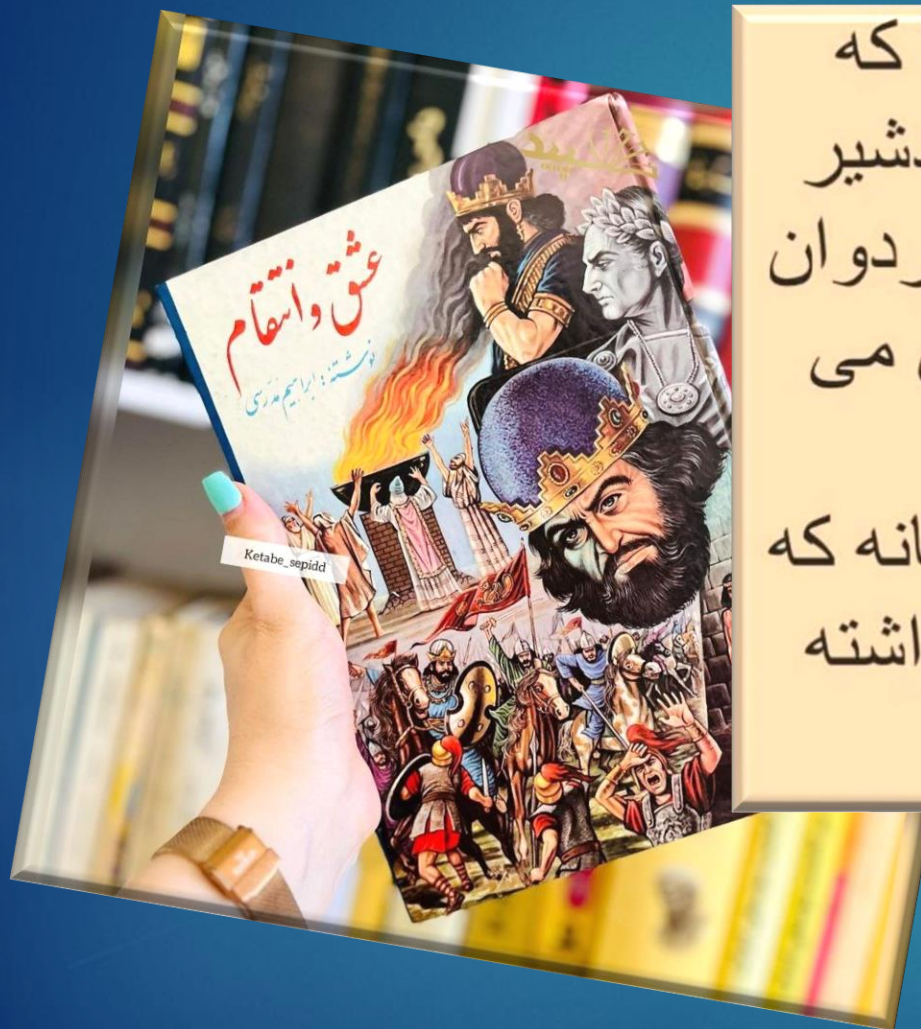
سال های کودکی و نوجوانی من در ایران گذشته و خاطرات کودکیف مهم ترین و محکم ترین خاطرات هر کس است. این خاطرات پایه های ذهنی و عاطفی ادم را می سازد. ایرانی بودن برای من چیزی طبیعی و غریزی است. تمام توجه ام همیشه به سوی ایران است. به ادبیات و هنر فولکلور ایران و آنچه هم که نوشته ام ، خواه ناخواه ایرانیست... آرامنه ، با ایرای ها بزرگ شده اند. در گذشته، مذهب و فرهنگشان یکی بوده است و حتی زبانشان نزدیکی غریبی به هم دارد.

**کتاب موسیقی کرال ایران**  
**نویسنده: دکتر حمید عسگری**



داستانی تاریخی بسیار زیبا که  
نحوه ی به قدرت رسیدن اردشیر  
بابکان و غلبه ی او بر سپاه اردوان  
را با زبانی شیوا و رسا بیان می  
کند

و در این میان ماجرای عاشقانه که  
بر حوادث آن زمان تاثیر گذاشته  
روایت می شود.



## دندان های پوسیده و عفونی

دندان های پوسیده، هم جای مناسبی برای گرد آمدن خرده های غذا و متعفن شدن آنهاست و هم در پوسیدگی های پیشرفته، میکروب ها از طریق ریشه های دندان وارد بافت های زیر دندان می شوند و ایجاد عفونت و چرک می کنند و راهی به خارج می جویند؛ بنابراین، باعث بوی بد دهان می شوند.

## التهاب بافت های نرم داخل دهان

حفره دهان برای کشت انواع میکروب ها بسیار مناسب بوده، عوامل میکروبی بیماری زای موجود در آب و هوا، غذا، دستها و اشیا به سهولت می توانند به درون آن راه یابند و به علت اینکه دمای دهان حدود ۳۷ درجه سانتی گراد است و محیط مناسبی برای تولید و ازدیاد میکروب ها می باشد، در چنین مواقعی مخاط دهان و لثه دچار آماس تورم می شود و رنگ قرمز تندی به خود می گیرد؛ لذا ترشح غدد بزاقی، غلیظ و چسبنده شده، در نتیجه بوی دهان، نامطبوع می شود.





**“Well, I must endure the presence of a few caterpillars if I wish to become acquainted with the butterflies.”**

**Antoine de Saint-Exupéry**

**Abbiate il coraggio di usare la vostra intelligenza. (Immanuel Kant)**

Логика может привести Вас от пункта А к пункту Б, а воображение — куда угодно.

انسانی با اندک مایه‌ای از خرد هرگز نمی‌تواند ماهیت انسانی را، بما هو انسان تطوّرپذیر بداند

چنین گفت زرتشت



## بفش پایانی مصامبه با : دکتر عباس اقبال مهران

### از نظر شما بزرگ‌ترین آسیبی که شعر جوان را تهدید می‌کند چیست؟

متأسفانه یکی از آفت‌ها و بلایایی که گریبان‌گیر شعر جوان است، همین گفتن از چیزی است که تجربه نشده یا اتفاقی است که نیفتاده یا کاری است که شاعر انجامش نمی‌دهد. صحبت از جغرافیایی که شاعر تجربه‌اش نکرده؛ نیشابور و قونیه‌ای که شاعر تا به حال به آنجا نرفته، سماعی که نکرده و جانی که نداده. اما بیشتر این شاعرها روزی هزار بار برای معشوق جان می‌دهند و و هزار بار سماع می‌کنند و پنجره‌ اتاقتشان همیشه رو به کوچه‌ای باز می‌شود که معشوقه‌ها با جلوه‌گاه فوق بشری در آن در رفت‌وآمد هستند. چنین احساس‌های تجربه‌نشده‌ای در شعر، عاقبت یک روز به شعر جوان ما آسیب می‌رساند. من فکر می‌کنم هر شاعر جوانی برای این که خودش را بشناساند، لازم نیست از نوشته‌های دیگران تقلید

کند. هرچند شاعران جوانی هم هستند که دوست دارند از همان اول بدون تأثیر از دیگران شعر بگویند؛ اما متأسفانه تعدادشان کم است یا به علت عدم پختگی و دانش کافی پا را از نمونه‌های اول فراتر نمی‌گذارند و متوقف می‌شوند. بنابراین فراز و فرود در شعر جوان هست و من کم مجموعه‌شعری را سراغ دارم که بخواهم به عنوان نمونه‌ای خوب و موفق از شعر جوان نام ببرم. گویا فعلاً همه داریم مشق می‌کنیم و اگر کسانی هستند که به نمونه‌های والای شعری رسیده‌اند، پشت پرده رسانه‌ها و ملاحظات و نادیده گرفته‌شدن‌ها مانده‌اند و من آنها را نمی‌شناسم.

نمی‌دانم این چه آموزشی‌ست که به شاعران جوان می‌دهند و می‌گویند هر وقت که شعرت عالی شد، کتابت را چاپ کن! در صورتی که آن روز هیچ وقت نمی‌رسد. ما همین الآن هم می‌توانیم از دیوان حافظ غزل‌های زیادی را حذف کنیم، چرا که اگر ملاک میل ما باشد که یک سری غزل‌ها را عالی و یک سری از آن‌ها را ضعیف می‌بینیم. پس آن کمال کی باید اتفاق بیفتد و چه کسی تعیین می‌کند که حالا وقتش است و ما باید به کدام مرجع مراجعه کنیم که تأیید کند حالا وقت چاپ شعر است؟ دیدگاه‌ها متفاوت است. بنابراین من فکر می‌کنم که این حسی درونی‌ست که من بگویم هر وقت توانستم به این شعر مولوی که می‌گوید «هین سخن تازه بگو تا که جهان تازه شود!» عمل کنم و با شعرم جهان یک نفر را تغییر بدهم و تازه کنم، وقتش می‌رسد که با مشورت اساتید و رد شدن از نگاه تیزبین منتقدان، دست به گزینش اشعارم بزنم و اثر شسته‌رفته‌ای را به دست مخاطب برسانم.

## چه شد که به این نتیجه رسیدید که سروده‌هایتان را چاپ کنید؟

وقتی دیدم کسانی که یک سال است در انجمن‌های شعری رفت‌وآمد دارند، تصمیم گرفته‌اند کتاب چاپ کنند، من هم به این نتیجه رسیدم که بعد از ده سال باید شعر چاپ کنم! البته این مزاح بود. ولی متأسفانه اینطور در ذهن ما جا انداخته‌اند که هر وقت کارت عالی شد، شعر چاپ کن و این را افرادی به ما می‌گویند که در دوره شاگردی خود هر زمان که شعر گفتند، کتاب چاپ کرده‌اند، نه هر زمان که شعرشان عالی بود! شما دفتر شعرهای اولشان را نگاه کنید و با دفتر شعر شاعران دیگر مقایسه کنید. اساتید هم در کارشان فراز و فرود داشتند و بسیاری از ناپختگی‌ها در آثارشان مشهود بوده است.

## در چه جشنواره‌هایی برگزیده شده‌اید؟

در جشنواره شرکت نمیکنم.

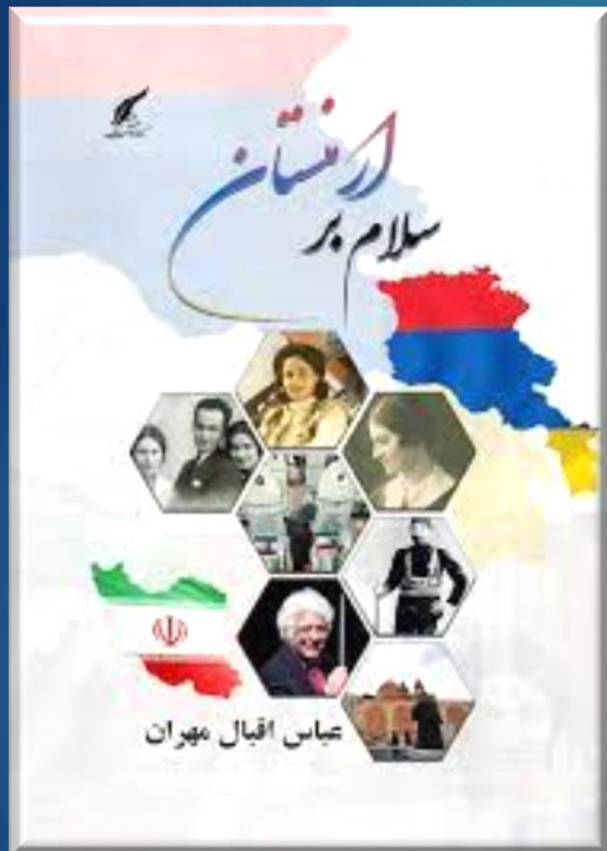
## انجمن‌های شعری چه تأثیری بر شعر شما داشته است؟

انجمن‌های شعری برای نظم دادن به فعالیت شعری من و بالندگی اشعارم بسیار مؤثر بوده است. من خود را ملزم می‌کردم که تا جایی که می‌توانم، دست خالی نروم و در جلسه شعر بخوانم تا نقد شود. همین باعث شد که خودم به نقاط ضعف و قدرت شعرم واقف باشم. البته باید ابتدا انجمن شعری سالم و مفید پیدا کرد، بعد به‌طور مرتب رفت تا شعر رشد پیدا کند.

## به عنوان یک شاعر جوان انتظار دارید در شعر به چه افقی دست پیدا کنید؟

من به آینده‌ای امیدوارم که اگر عمری باشد در ده، بیست یا سی‌سال دیگر بتوانم در شعر وارد حیطه‌هایی شوم که تا به امروز کمتر پیموده شده و با جدیت افق خوبی را نشان بدهم. به‌قول استاد مؤدب در شب شعری شرکت کنم که حافظ و مولوی و سعدی در آن حضور داشته باشند و من پیش روی این شاعران بزرگ شعر بخوانم. این زمانش نامشخص است و فقط راهی‌ست طولانی که به شرط توفیق باید پیموده شود. من اگر در زندگی در چند مورد کمال‌گرا باشم، یکی از آن موارد شعر است و هیچ‌وقت دست از شعر نمی‌کشم. رابطه من و شعر رابطه تنگاتنگی‌ست و دوست دارم این رابطه آن‌قدر ادامه پیدا کند که من خیالم راحت باشد که خیلی از احساسات ناگفته انسان‌ها را بیان کرده‌ام.

. در پایان یکی از شعرهایتان را برایمان بخوانید:



تو اگر ارمنی و من اگر ایرانی  
 ما به اندازه تاریخ تمدن داریم  
 ما همیشه دلی از آینه و منطق دریا داریم  
 ارمنی، ایرانی، ما دو فرهنگ به زیبایی باران داریم  
 اتحادی داریم، که از آن دشمن دجال هراسان گشته  
 ما نجابت داریم، که از آن خاک وطن لاله فراوان گشته  
 برسانید به گوش همه ی مردم دنیا اینجا  
 ارمنی، ایرانی، دست در دست به فرهنگ و هنر می بالد

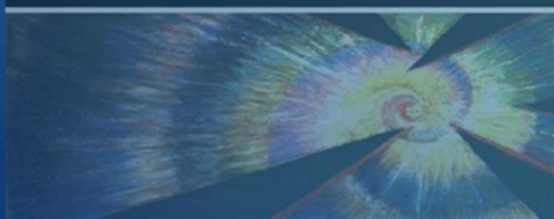
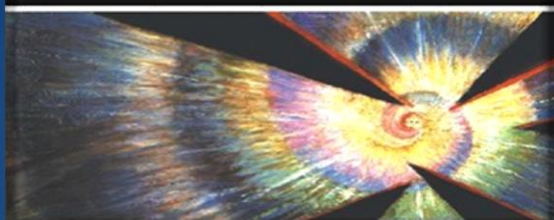
# مدرنیسم پست

گلن وارد

قادر فخرزنجیری  
ابوذر کریمی



با این که از زمان رواج اصطلاح پست مدرنیسم سه دهه میگذرد اما نحوه ی گسترش آن در عرصه فرهنگ سرگذشتی نسبتاً پیچیده دارد صرف نظر از اینکه این اصطلاح قبلاً چند بار به صورت پراکنده به کار رفته بود پست مدرنیسم عمدتاً به عنوان مقوله ای دانشگاهی و مرتبط با تحولات خاصی در عرصه ی ادبیات و علوم انسانی آغاز شد اما خیلی زود به اصطلاحی توصیفی برای انواع تغییرات مطرح شده در عرصه فرهنگ و جامعه ی معاصر تبدیل شد به عنوان مثال یک استدلال این بود که مردم دیگر به پیشرفت تکنولوژیک اعتقادی ندارند و از آنجایی که اعتقاد به پیشرفت تکنولوژیک به یک دوره ی مشخص تاریخی مدرنیستی ، تعلق دارد تصور بر این بود که اصطلاح پست مدرنیسم ، میتواند عصر جدید ما را که عصر سرخوردگی و ناامیدی است به نحو شایسته ای توصیف کند در هر حال پست مدرنیسم تا اواسط دهه ی ۱۹۸۰ به شکلی در آمد که بعضی مواقع میشد آن را به عنوان اصطلاحی مبهم و کلی برای هر چیز به کار برد.



فرد عاقل و خردمند، چه زن چه مرد، زندگی خود را صرف تعقیب محبوبیت نمی کند. این سراب و امیدی واهی است. محبوبیت تعیین نمی کند چه چیزی درست یا پسندیده است بلکه کاملاً برعکس، محبوبیت نقش یکسان سازی و سقوط دهندگی بی صدا را دارد. خیلی بهتر است که در جستجوی ارزشها و اهداف خود باشیم.

درمان شوپنهاور

مجله ادبی آنی را هر چهارشنبه در سایت رسمی و کانال تلگرامی دنبال کنید.

